

Media as a Tool to Securitize the Islamic Republic of Iran based on US Congressional Documents

*Ebrahim Barzegar*¹
*Tahmineh Bakhtiari*²

Media as a tool to securitize the Islamic Republic of Iran based on the US Congressional Documents. After the victory of the Islamic Revolution in 1978, the United States did its utmost to undermine the Islamic-revolutionary identity of the Islamic Republic. The most important US action is to securitize Iran on the world scene. In this process, the United States, as a security actor, has used the media as a functional and facilitating actor to persuade public opinion, consensus among official actors, and take action against Iran. The question is, how has the United States used media tools to secure Iran? The hypothesis is that the United States has facilitated the process of securitizing Iran by enacting policies for the media and their financial support. In the first decade of the revolution, persuading American and world public opinion was on the agenda. In the second decade, this tool was used to persuade public opinion to reach a consensus against Iran. In the third decade, a consensus was formed to act and change the beliefs and attitudes of the Iranian people with the aim of bringing them together to change the system and impose international sanctions on Iran. In the fourth decade, media tools were used to consolidate and strengthen the security process in persuasion, consensus and action. After the victory of the Islamic Revolution in 1978, the United States did its utmost to undermine the Islamic-revolutionary identity of the Islamic Republic. The most important US action is to securitize Iran on the world scene. In this process, the United States, as a security actor, has used the media as a functional and facilitating actor to persuade public opinion, consensus among official actors, and take action against Iran. The question is, how has the United States used media tools to secure Iran? The hypothesis is that the United States has facilitated the process of securitizing Iran by enacting policies for the media and their financial support. In the first decade of the revolution, persuading American and world public opinion was on the agenda. In the second decade, this tool was used to persuade public opinion to reach a consensus against Iran. In the third decade, a consensus was formed to act and change the beliefs and attitudes of the Iranian people with the aim of bringing them together to change the system and impose international sanctions on Iran. In the fourth decade, media tools were used to consolidate and strengthen the security process in persuasion, consensus and action.

Keywords

Securitization, Public Opinion, Audience, Consensus Making, International Sanctions.

1. Corresponding author: Full Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Barzegar@atu.ac.ir

2. Ph.D Candidate in Iran-Related Issues, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Bakhtiari.t@gmail.com

رسانه، ابزار امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران براساس چهل سال اسناد کنگره آمریکا

ابراهیم برزگر^۱

تهمینه بختیاری^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و یکم - تابستان ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۲۵

چکیده

آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با ازدست‌دادن یکی از بزرگترین متحدان خود در منطقه غرب آسیا، همه توان خود را برای تضعیف هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی به‌کار گرفت. مهم‌ترین اقدام آمریکا، امنیتی‌کردن ایران در صحنه جهانی بوده است. آمریکا در این فرایند به‌عنوان بازیگر امنیت‌ساز، از رسانه به‌عنوان یک بازیگر کارکردی و تسهیل‌کننده برای دستیابی به اقلان افکار عمومی، اجماع در میان بازیگران رسمی و اقدام علیه ایران استفاده کرده است. پرسش این است که آمریکا چگونه از ابزار رسانه برای امنیتی‌کردن ایران استفاده کرده است؟ فرضیه این است که آمریکا با وضع قوانین و سیاست‌گذاری‌های کلان و تعیین خط‌مشی برای رسانه‌ها و حمایت‌های مالی از آن‌ها، فرایند امنیتی‌کردن ایران را تسهیل کرده است. در دهه اول انقلاب، اقلان افکار عمومی آمریکا و جهان در دستور کار بود؛ در دهه دوم، این ابزار برای اقلان افکار عمومی با هدف اجماع علیه ایران به‌کار گرفته شد؛ در دهه سوم، اجماع‌سازی به منظور اقدام و تغییر باورها و نگرش‌های مردم ایران با هدف همراه‌کردن آن‌ها برای تغییر نظام و اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران انجام شد و در دهه چهارم، از ابزار رسانه برای تثبیت و تقویت فرایند امنیتی‌کردن در سه مرحله اقلان، اجماع و اقدام به‌کارگرفته شد. در این پژوهش از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ با تکیه بر کنش‌گفتاری و تحلیل مضمون استفاده شده است.

کلید واژه‌ها

امنیتی‌کردن؛ افکار عمومی؛ مخاطبان؛ اجماع‌سازی؛ تحریم‌های بین‌المللی.

۱. نویسنده مسئول: استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، تهران، ایران

Barzegar@atu.ac.ir

Bakhtiari.t@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مسائل ایران، دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، تهران، ایران

مقدمه

سیر روابط ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به دلیل تغییر الگوهای دوستی و دشمنی و تغییر ذهنیت های دو بازیگر از یکدیگر همواره برمبنای خصومت و غیریت سازی بوده است. آمریکا با انضمام مفاهیمی نظیر تهدید ایران علیه امنیت بین المللی در برنامه های هسته ای و موشکی، حمایت ایران از تروریسم و نفوذ منطقه ای ایران و بازتعریف الگوهای دشمنی، تحول ماهیت مرجع امنیت، بازیگر امنیت ساز، مخاطبان و حوزه های امنیتی به دنبال امنیتی کردن ایران بوده است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان ماه اوت ۲۰۲۰، حدود ۲۰۰۰ قطعنامه، لایحه و طرح در کنگره آمریکا اعم از سنا و مجلس نمایندگان علیه ایران ارائه شده است.

در میان اسناد کنگره درباره برسازی (سازه نگاری) امنیتی کردن جمهوری اسلامی بارها بر به کارگیری رسانه و سیاست گذاری های مربوط به آن برای مقابله با ایران تأکید شده است و نشان می دهد ابزار رسانه (اعم از رسانه های سنتی و نوین) در فرایند امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی ایفا می کند. به اعتقاد کوگات، اگر دولت ها بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود بازتعریف کنند، در آن صورت مجبور نیستند لشکرهای عظیم نظامی خود را تقویت کنند (کوگات، ۲۰۰۱: ۲۶۴). براین اساس، آمریکا از رسانه به عنوان ابزاری باصرفه و کم هزینه برای مقابله با ایران و برسازی تهدید ایران استفاده کرد. استفاده از رسانه در یک تقابل و خصومت، یک تلاش برنامه ریزی شده با روش های تبلیغی رسانه ای سیاسی و روان شناختی برای تأثیر گذاشتن بر حکومت ها، گروه ها و مردم کشورهای خارجی به منظور تغییر نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای آنها است (نجاتی منفرد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۹). پژوهش حاضر از آن جهت ضرورت می یابد که رسانه های فارسی زبان خارجی در سال های اخیر توانسته اند بخشی از مخاطبان ایرانی را به خود جذب کنند. رسانه های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران در فرایند امنیتی کردن به مثابه ابزار محسوب می شوند و هدف این رسانه ها، اقناع مخاطبان ایرانی با هدف تهدید هویت نظام جمهوری اسلامی ایران و بی تفاوت کردن مردم به سرنوشت خود یا اقدام برای تحریک علیه حکومت است. مسأله وارۀ این پژوهش، چیستی استفاده از رسانه برای امنیتی سازی ایران در چهار دوره بعد از انقلاب اسلامی و تحولات رخ داده در حوزه استفاده از رسانه در فرایند امنیتی کردن ایران؛ پرسش این مقاله، چیستی استفاده از ابزار رسانه در فرایند امنیتی کردن ایران توسط آمریکا و فرضیه این است که آمریکا با وضع قوانین و سیاست گذاری های کلان و تعیین خط مشی برای رسانه ها و حمایت های مالی تلاش کرده است فرایند اقناع، اجماع و اقدام علیه ایران را تسهیل کند.



روش پژوهش در این تحقیق، تحلیل مضمون مبتنی بر چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و تحلیل اسنادی براساس اسناد کنگره و استفاده از ابزار رسانه به عنوان تسهیل کننده در فرایند امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران است.

پیشینه پژوهش

پژوهش های متعددی در زمینه امنیتی کردن و امنیتی شدن انجام شده است. در این پژوهش ها، هدف مرجع امنیتی و بازیگر امنیتی ساز، مخاطبان امنیتی شدن، بازیگران کارکردی و تهدید هویت بازیگر امنیتی شده تبیین شده است. در زمینه امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران پژوهش های متعددی در زمینه برنامه های هسته ای ایران به عنوان یک حوزه امنیتی کننده اشاره شده است. تاکنون در ایران پژوهشی مستقیماً درباره نقش رسانه به مثابه ابزاری در فرایند امنیتی کردن انجام نشده است؛ اما در عین حال مطالب متعددی همسو با این موضوع نوشته شده است. ولادیمیر دولینچ در پژوهشی با عنوان «نقش رسانه های جمعی در فرایندهای امنیتی کردن تروریسم بین الملل» به نقش کارکردی رسانه ها در فرایند امنیتی شدن در موضوع تروریسم بین الملل براساس مکتب کپنهاگ می پردازد. از نظر نویسنده، یکی از ضعف های مکتب کپنهاگ این است که درباره چگونگی فرایند امنیتی شدن و نقش رسانه ها و تأثیر آن بر مخاطبان ساکت مانده است. در حالی که فرایند امنیتی کردن تنها زمانی تکمیل می شود که مخاطب بپذیرند یک پدیده امنیتی است. یکی از مزیت های اصلی این پژوهش، تأکید بر رسانه به عنوان کارکردی ترین ابزار امنیتی شدن و فرایند برسازی آن براساس منطق کنش گفتاری است. در این مقاله هیچ اشاره ای به نقش رسانه در فرایند امنیتی کردن ایران نشده است (دولینچ، ۲۰۰۵). عبدالله خانی و کاردان (۱۳۹۰) نیز در کتابی با عنوان «رویکردها و طرح های آمریکایی درباره ایران» به بررسی اقدامات اندیشکده های آمریکا و مراکز فعال تصمیم سازی علیه ایران پرداخته اند. هرچند در این کتاب به صورت مفصل به روش های نهادینه و به کارگرفته شده توسط آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران اشاره شده، اما به فرایند امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران اشاره ای نشده است.

امیدی فر و سعیده مرادی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «برسازی امنیتی فعالیت هسته ای ایران» به تبیین کنش کلامی رسانه های غربی و آژانس های بین المللی انرژی اتمی در امنیتی ساختن و بزرگ نمایی برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران طی سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ پرداخته اند. فرضیه نوشتار بیان می کند، رسانه های غربی و آژانس بین المللی انرژی اتمی در امنیتی کردن برنامه هسته ای ایران نقش مؤثری داشته اند. هرچند

در این مقاله از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ استفاده شده است، اما در روش از تحلیل محتوای کمی استفاده شده و به چگونگی و کیفیت برسازی امنیتی شدن برنامه هسته‌ای ایران اشاره نشده است.

در مرور پیشینه پژوهش، موضوع رسانه‌های بیگانه در دو حوزه سنتی و نوین و نقش آن‌ها در اقدامات خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. البته در مطالعه پیشینه، پژوهش مستقلی که به‌طور مستقیم با موضوع پژوهش حاضر مرتبط باشد، یافت نشد. نتایج پژوهش‌های پیشین که به‌طور مستقیم با موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارند، به نوعی مؤید نقش رسانه در پیشبرد اهداف آمریکا علیه ایران است. نوآوری مقاله حاضر درباره رسانه به مثابه ابزار امنیتی کردن ایران، به تحلیل و تبیین اسناد کنگره در بهره‌گیری از ابزار رسانه برای اقناع، اجماع و اقدام با هدف امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

چارچوب نظری و مفهومی: امنیتی کردن در مکتب کپنهاگ

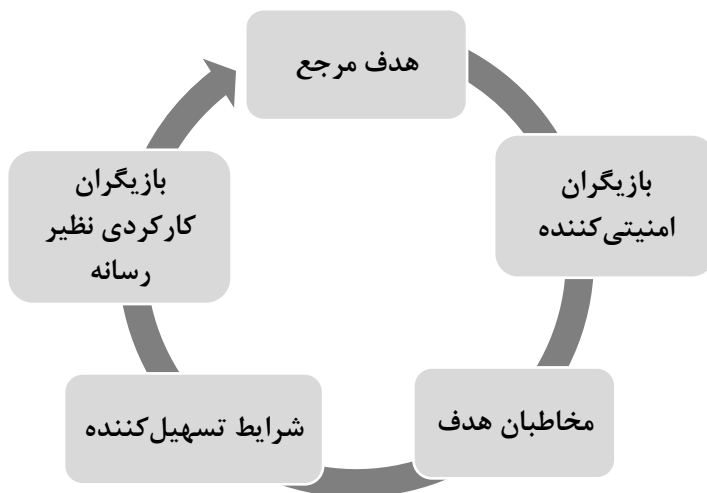
پس از پایان جنگ سرد، رویکردهای جدیدی با عنوان امنیتی شدن وارد مطالعات امنیتی شد که تعریف موسعی از مفهوم امنیتی داشتند و آن را از حوزه نظامی به دیگر حوزه‌ها تسری دادند. از جمله این رهیافت‌ها، مکتب کپنهاگ است که در آن، نظریه‌پردازی نظیر بری بوزان، اولی ویور، تیری بالزاک و جاپ دوویلده، امنیت را در مفهوم جدید کاوش کردند. آن‌ها در نوشته‌های خود تلاش کردند، مفهوم امنیت پس از جنگ سرد را از مقوله سنتی و تک بعدی امنیت، از مفهوم صرفاً نظامی به سایر ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش دهند (دهقانی و علوی، ۱۳۹۵: ۴۱).

مکتب کپنهاگ نه روی عناصر مادی و عینی تأکید دارد و نه بر عناصر ذهنی، بلکه این مکتب، امنیت را مقوله‌ای بینادذهنی تلقی می‌کند که در اجتماع شکل می‌گیرد. به اعتقاد بوزان «توفیق در امنیتی کردن موضوعات را کسی که موضوعی را امنیتی می‌کند، معین نمی‌سازد؛ بلکه به مخاطبان کنش گفتاری امنیتی بستگی دارد.» آیا این مخاطبان، آن موضوع را به‌عنوان تهدیدی وجودی برای ارزشی مشترک می‌پذیرند؟ بر این اساس، امنیت هم نهایتاً نه بر عین استوار است و نه بر ذهن؛ بلکه امری بینادذهنی است (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۱)» از این رو، مخاطبان در فرایند امنیتی‌سازی، نقش محوری دارند و آن‌ها باید متقاعد شوند تا حرکت امنیتی ساز موفق گردد. هرچند، غالباً مخاطب را همان شهروندان یا توده مردم فرض می‌کنند، اما ویور معتقد است که مخاطب می‌تواند براساس نظام سیاسی و ماهیت مسأله امنیتی‌شده، متفاوت باشد (Waever, 2003: 11-12). توجه به نقش



محوری مخاطب که منتج از نگاه برساخت گرایانه به امنیت است، در آثار متأخر مکتب کپنهاگ پررنگ تر شد.

در چرخه امنیتی شدن، منظومه پنجگانه دخالت دارد: هدف مرجع، بازیگران امنیتی کننده، بازیگران کارکردی نظیر رسانه، مخاطبان هدف و شرایط تسهیل کننده.



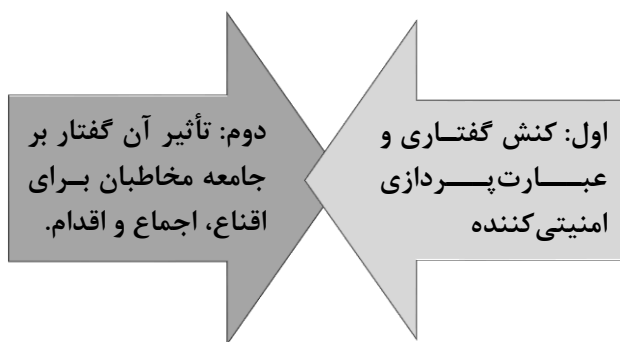
شکل ۱. منظومه پنجگانه برای اقناع، اجماع و اقدام در چرخه امنیتی شدن

از نظر مکتب کپنهاگ، امنیتی ساختن هر پدیده شامل سه جزء است: بازیگر امنیت ساز، پدیده امنیتی و مخاطب (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۸-۴۹۱). در فرایند امنیتی کردن، مخاطب نقش مهمی دارد و تا زمانی که تهدید بودن یک پدیده یا بازیگر توسط مخاطب پذیرفته نشود، یک پدیده امنیتی نخواهد شد. اعتقاد به تجلی تهدید و پذیرش عمومی، دو رکن اصلی منطق امنیتی کردن را شکل می دهند به گونه ای که هیچ یک از این دو به صورت مجزا، تأثیرات مورد انتظار از امنیتی کردن را محقق نمی سازد. ویور بر این باور است که با جلوه دادن هر موضوع به عنوان تهدید وجودی، آن موضوع به آستانه امنیتی شدن رسیده است Y اما وقتی امنیتی می شود که مخاطبان آن را بپذیرند. اگر پذیرش از سوی مخاطب صورت نگیرد، تنها می توان گفت حرکتی برای امنیتی کردن موضوع انجام شده؛ ولی موضوع امنیتی نشده است (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۱).

در مکتب پاریس که از جمله مکاتب امنیتی شدن است، پل رو ۱ در فرایند امنیتی شدن برای مخاطب نقش مهمی قائل است. از نظر وی، بازیگر امنیتی کننده نیازمند دو گونه

حمایت است: حمایت‌های رسمی و حمایت‌های اخلاقی. منظور از حمایت‌های رسمی، پشتیبانی نهادهای رسمی برای همراهی با بازیگر امنیتی‌کننده و منظور از حمایت‌های اخلاقی، پذیرش عمومی و اجتماعی است. وی ضمن مهم دانستن هماهنگی و سازگاری این دو نوع حمایت، به گونه‌ای که منجر به هم‌افزایی یکدیگر شوند، خاطرنشان می‌کند حمایت‌های رسمی و اخلاقی به هیچ وجه به یکدیگر قابل تقلیل نیستند و بازیگر امنیتی‌ساز به هر دوی آن‌ها نیاز دارد (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵).

امنیتی ساختن یک پدیده یا بازیگر، فرایندی سه مرحله‌ای دارد: نخستین مرحله، تصویرسازی از موضوعی مشخص به عنوان تهدیدی وجودی برای هدف مرجع است. هر چند بازیگر امنیتی‌کننده در این مرحله، بازیگر مسلط است؛ اما بازیگران کارکردی نظیر رسانه و شرایط تسهیل‌کننده، نقش مهمی را در تهدید نشان دادن هدف مرجع ایفا می‌کنند. البته تا این مرحله، امنیتی شدن انجام نمی‌گیرد. یک موضوع تنها زمانی امنیتی می‌شود که مخاطبان هدف، آن موضوع را تهدید تلقی کنند و تا وقتی چنین پذیرشی نباشد، فقط می‌توان از تلاش برای امنیتی‌ساختن صحبت کرد (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۷). مرحله دوم امنیتی شدن، زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی‌کننده، مخاطب را متقاعد کنند که مرجع امنیت به طور جدی تهدید شده است و مرحله سوم امنیتی شدن نیز زمانی است که اقداماتی از جمله تحریم یا جنگ برای غلبه بر تهدیدات مشخص شود. فرایند امنیتی کردن، لزوماً با بیان کلامی آن از جانب یک بازیگر و پذیرش آن توسط مخاطبان، محقق می‌شود (Daheshyar, Mosavi, Safdari; 2014: 83). به عبارت دیگر، برای امنیتی‌شدن یک موضوع، تحقق دو شرط لازم است: اول، کنش‌گفتاری و عبارت‌پردازی امنیتی‌کننده و دوم تأثیر آن گفتار بر جامعه.



شکل ۲. دو شرط تحقق امنیتی شدن

امنیتی‌سازی، حرکتی کلامی است؛ یعنی حرکت بیان و شیوه بیان مطلب توسط



گوینده‌ای است که امنیت را تعریف می‌کند (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). این حرکت کلامی یا پیام، با ابزار رسانه به مخاطب منتقل می‌شود و باید به گونه‌ای استادانه انتقال رخ دهد تا پذیرش تهدیدبودن یک پدیده در مخاطب شکل گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش‌های کیفی در علوم اجتماعی از جمله علوم سیاسی ا روایی و اعتبار زیادی دارند. برای کسب نتایج دارای مفهوم در پژوهش‌های کیفی لازم است داده‌های موردنظر به صورت روش مند تحلیل شوند. یکی از فنون تحلیل مناسب در پژوهش‌های کیفی، تحلیل مضمون ۱ است. به باور بویاتزیس (۱۹۹۸)، تحلیل مضمون می‌تواند پل ارتباطی مناسبی میان پژوهشگران رشته‌های مختلف ایجاد کند. این روش به پژوهشگران کمک می‌کند تا بتوانند راحت‌تر مشاهده‌ها، یافته‌ها و تفاسیر خود را به سایرین منتقل کنند (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵). در این مقاله برای تجزیه و تحلیل، داده‌ها، در یک فرایند رفت و برگشتی مداوم بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و قالب مضامین تولیدشده در فرایند امنیتی برای مخاطبان مورد هدف آمریکا، استخراج شدند. قالب مضامین معمولاً در تحقیقاتی با تعداد متون و داده‌های زیاد به کار می‌رود و ویژگی اصلی این روش، سازمان دهی سلسله‌مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آن‌هاست (King, 1998: 267). پس از آن شبکه مضامین شکل می‌گیرد. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، روش نمایش داده است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضا یا را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)، سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها، مضامین سازمان‌دهنده به‌دست می‌آید و در گام آخر، عالی‌ترین و فراگیرترین مضمون به‌دست می‌آید.

تحلیل مضمون به چهار روش مرسوم قابل اجراست:

روش اول، قالب مضامین است که معمولاً در تحقیقاتی با تعداد متون و داده‌های زیاد به کار می‌رود و ویژگی اصلی این روش، سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آن‌هاست (King, 1998: 267).

در روش دوم، ماتریس مضامین است که برای مقایسه مضامین با یکدیگر و مضامین در منابع داده‌ها به کار می‌رود. ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس مضامین به مضمون‌ها یا سایر موارد اختصاص پیدا می‌کند (Miles and Huberman, 1994).

تحلیل مقایسه‌ای را می‌توان روش سوم دانست که می‌توان از آن برای قیاس مضامین در میان پاسخ‌دهندگان متفاوت و همچنین برای منابع داده‌ها استفاده کرد. روش چهارم، شبکه مضامین است؛ نقش‌هایی شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایا را از متن بیرون می‌کشد که به آن مضمون پایه گفته می‌شود. پس از آن با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست می‌یابد (مضامین سازمان‌دهنده) و در قدم سوم، این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده می‌شود و مضامین برجسته هر یک از سه سطح، همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (Attride-Stirling: 2001). در این پژوهش برای تحلیل متن به‌دست‌آمده از اسناد کنگره از روش شبکه مضامین استفاده شده است.

رسانه، ابزار فرایند امنیتی کردن ایران

از نظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌ساختن هر پدیده شامل سه جزء است: **بازیگر امنیت ساز**، **پدیده امنیتی** و **مخاطب** (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۸-۴۹۱). ویور معتقد است با جلوه‌دادن هر موضوع به‌عنوان تهدید وجودی، آن موضوع به آستانه امنیتی شدن رسیده است؛ اما در صورتی امنیتی می‌شود که مخاطبان آن‌را بپذیرند. رسانه‌ها اعم از سنتی و نوین می‌توانند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر افکار عمومی داشته باشند. رسانه و اتاق‌های فکر یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقماعی هستند. اقماع مخاطب در نهایت به اجماع بین‌المللی یا کنسانسوس منجر می‌شود. پس از کنسانسوس، اقدام علیه یک پدیده تسهیل می‌شود. اجماع‌سازی، مرحله مهمی در فرایند امنیتی شدن است که ابزار رسانه در کنار بازیگران کارکردی دیگر نظیر نهادهای بین‌المللی، دستیابی به آن‌را تسهیل می‌کند. برای دستیابی به سه هدف اقماع، اجماع و اقدام، آمریکا به نهادینه‌سازی روی آورده است. در مکتب کپنهاگ، نهادینه‌سازی شامل مؤسسات، نهادها، دانشگاه‌ها، کرسی‌های آکادمیک، بنیادهای علمی، اتاق‌های فکر، دپارتمان‌های سیاست‌گذاری، ژورنال‌های تخصصی، دولت‌ها، کنفرانس‌ها و شبکه‌های تحقیقاتی است (Buzan and Hansen, 2009:50-60).

با بررسی مهم‌ترین مصوبات کنگره در بازه زمانی چهل ساله از پیروزی انقلاب اسلامی در استفاده از ابزار رسانه اعم از سنتی و نوین علیه جمهوری اسلامی، اتخاذ یک سیاست و استراتژی رسانه‌ای مشهود است. در این بازه زمانی، رسانه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه می‌شوند (Robin, 2006:5). استراتژی دلتا در آمریکا در این چارچوب طراحی شده است. این استراتژی با استفاده از سه تاکتیک دکترین



مهار، نبرد رسانه ای و سامان‌دهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی است که در سال ۲۰۰۱ توسط مارک پالمر ارائه شد (خاشعی، وحید، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

یافته‌های پژوهش

استفاده از ابزار رسانه برای امنیتی کردن ایران

برجسته‌سازی و بازنمایی تهدید ایران، مهم‌ترین کارکرد رسانه در فرایند امنیتی کردن محسوب می‌شود. در این فرایند، هویت ایران در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تهدید می‌شود. حقوق بشر یکی از مسائل محوری است که رسانه‌ها برای امنیتی کردن ایران از آن بهره می‌گیرند. تفاوت در هنجارهای شکل‌دهنده حقوق بشر میان غرب و جمهوری اسلامی، موجب شده است که حقوق بشر از ماهیت حقوقی خود خارج شده و به‌عنوان اهمی برای اعمال فشار بر ایران استفاده شده است (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۶۸). حمایت از تروریسم بین‌الملل دومین محوری است که رسانه‌ها به بهانه آن ایران را هدف قرار می‌دهند و برنامه هسته‌ای و تهدیدبودن آن به بهانه تسلیحات هسته‌ای، سومین محور اساسی تبلیغات رسانه‌های بیگانه در فرایند برسازای تهدیدبودن ایران محسوب می‌شود. در ذیل سیاست رسانه‌ای، سیر برسازای و عبارت‌پردازی در اسناد کنگره در چهار دهه علیه انقلاب اسلامی آورده می‌شود:

الف) دهه اول؛ بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۶، بهره‌گیری از رسانه‌های موجود: اقلان

در دهه اول انقلاب اسلامی، آمریکا عمدتاً تلاش می‌کرد از طریق رسانه‌های موجود نظیر رادیو اروپای آزاد و حمایت از شبکه‌های خبری نظیر رادیو بی‌بی‌سی فارسی و همچنین رسانه‌های محلی نظیر رادیو رژیم صهیونیستی، رادیو کویت و رادیو بغداد به زبان فارسی استفاده کند.

مضامین اصلی برجسته‌سازی رسانه‌ای رادیوهای بیگانه در دهه اول انقلاب را می‌توان در چهار محور زیر خلاصه کرد:

۱- **اختلاف افکنی میان نهادهای دفاعی:** در زمان جنگ تحمیلی، رسانه‌های همسو با سیاست‌های آمریکا همواره ارتش را علیه سپاه تصویرسازی می‌کردند. بخش فارسی رادیو بغداد در سال ۱۳۵۹، همزمان با اعلان جنگ علیه ایران گفت: «خلبانان با هواپیماهای خودشان به عراق پناهنده شوند. رژیم ایران درصدد تصفیه ارتش و جایگزین نمودن سپاه به جای آن است.» (بخش فارسی رادیو بغداد، ۱۳۵۹: آرشیو صدا و سیما).

۲- **دل‌سرد کردن مردم از انقلاب:** رادیو صدای آزاد ایران در سال ۱۳۵۹ همزمان با آغاز جنگ تحمیلی با انتشار پیام‌های مختلف تلاش می‌کرد در میان مردم رعب و وحشت ایجاد

کند. یکی از این پیام ها این بود: «چهره شهر تهران تغییر کرده است ... بنزین نایاب است، عده‌ای چند کیلومتر را پیاده طی می‌کنند، برق قطع است و اکثر نانوایی‌ها تعطیل است.» (اثباتی، ۱۳۸۰: ۲۹۴)

۳- **تصویرسازی منفی از ایران:** رادیو صدای آزاد ایران اعلام کرد: «ایرانی‌ها، خون اسرا را می‌گیرند و آنان را مثله می‌کنند. سرها را با اره‌های برقی می‌برند و آنان را با باتوم برقی می‌زنند.» (رادیو صدای آزادی ایران، ۷ آبان ۱۳۵۹: آرشیو صدا و سیما).

۴- **تصویرسازی منفی از انقلاب اسلامی:** در این دوره، اعدام‌های انقلابی به ابزار مهمی در دست رسانه‌ها برای تصویرسازی منفی از انقلاب اسلامی تبدیل شده بود. رادیو بغداد در تحلیلی درباره انقلاب اسلامی گفت: «ایران در پی ایجاد یک امپراتوری فارسی است و می‌خواهد بر کل خلیج عربی (فارس) مسلط شود. ایرانیان در صورت پیروزی ثروت مردم عراق را چپاول می‌کنند» (دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵).



شکل ۳. اهداف رسانه‌ای در دهه اول انقلاب

در دهه اول، از رسانه‌های موجود به ویژه در منطقه به‌مثابه ابزاری برای تهییج افکار عمومی در منطقه و ایران ایران‌هراسی، تحریک مردم ایران علیه حکومت و اختلاف‌افکنی میان نهادهای حکومت و نشان‌دادن تصویری نامطلوب از انقلاب اسلامی و بنیان‌گذاران آن بود. در این زمان، رسانه‌ها در داخل آمریکا نیز به دلیل دستگیری جاسوسان آمریکایی در ایران در قضیه ۱۳ آبان، به بهانه گروگان‌گیری، تلاش می‌کردند افکار عمومی در آمریکا را



علیه ایران تحریک کنند. در هر سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در فرایند امنیتی کردن ایران در دهه اول انقلاب، از رسانه به‌مثابه ابزاری برای اقناع به کار گرفته شد. (ب) دهه دوم؛ بازه زمانی ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶، فعال‌شدن رسانه‌های جدید: اقناع و اجماع در دهه دوم انقلاب اسلامی در بازه زمانی ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸ (۱۹۸۹ تا ۱۹۹۸) دست‌کم شش سند در کنگره اعم از مجلس سنا و مجلس نمایندگان به‌منظور فعال کردن رسانه‌ها علیه ایران وجود دارد. محورهای اصلی رویکرد این اسناد عبارتند از:

۱- راه‌اندازی تلویزیون‌هایی به زبان‌های محلی، بلوچ، کردی و عربی، به‌منظور ایجاد اختلافات قومی و تفرقه با هدف تضعیف حکومت مرکزی: کلیسورن در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۰، در پیش‌نویس قطعنامه‌ای از رئیس نهاد اطلاع‌رسانی آمریکا خواست تا در رادیو صدای آمریکا، برنامه‌هایی به زبان کردی برای کردهای ایران تهیه کند (S.2749، پل^۱، ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۰). تنها دو سال بعد در آوریل ۱۹۹۲، سرویس کردی در صدای آمریکا بر روی موج اف ام با دو لهجه کرمانجی و سورانی راه‌اندازی شد. در بخش کردی صفحه آمریکا، جامعه هدف، کردهای شمال عراق، ترکیه، ایران و سوریه تعیین شده است (صفحه معرفی VOA). البته راه‌اندازی بخشی به زبان بلوچی در صدای آمریکا به‌دلیل مخالفت پاکستان انجام نشد.

۲- راه‌اندازی بخش فارسی در رادیو اروپای آزاد با هدف اختلاف افکنی میان دولت و ملت: در ۲۲ ماه مه ۱۹۹۵، سناتور داماتو که بعدها به معمار تحریم‌ها علیه ایران معروف شد، طرحی را برای راه‌اندازی یک بخش رادیویی به زبان فارسی برای ایران با عنوان «قانون رادیو ایران آزاد» مطرح کرد (S.838، داماتو^۲، ۲۲ مه ۱۹۹۵). بخش فارسی رادیو اروپای آزاد در نهایت در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۸ آغاز به کار کرد و بعدها در سال ۲۰۰۲، رادیو فردا جایگزین آن شد (CRS, 1999, 1-4).

۳- الزام رسانه‌ها برای متمرکز شدن بر ایران: وولف^۳ در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۸، طرحی را برای تشویق آن دسته از رسانه‌هایی داد که به‌طور ویژه بر مسأله ایران متمرکز می‌شوند و آن، تخصیص مبالغ معینی برای آن‌ها از طرف کنگره بود (H.R.4328، وولف، ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۸). کنگره مبالغ معینی برای سال مالی ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ به رادیو اروپای آزاد به‌منظور همکاری با رادیو ایران آزاد که به زبان فارسی برای مردم ایران پخش می‌شد، اختصاص می‌دهد.

۴- ترویج استفاده از ماهواره: اختصاص مبالغ ویژه برای فعالیت رسانه‌ای علیه ایران

1. Claiborne Pell
2. Alfonse D'Amato
3. Frank R. Wolf



شکل ۴. اهداف رسانه‌ای در دهه دوم انقلاب

در دهه دوم، آمریکا، راه‌اندازی رسانه‌های جدید به زبان فارسی و دیگر زبان‌های رایج علیه ایران را در دستور کار قرار داد. ترویج استفاده از ماهواره برای تغییر سبک زندگی مردم ایران، حمایت مالی از رسانه‌های خارجی علیه ایران و الزام رسانه‌ها برای تمرکز بر ایران به منظور تسهیل اجماع علیه جمهوری اسلامی ایران در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مشهود است. در این دوره از ابزار رسانه به مثابه اقناع و اجماع علیه ایران در فرایند امنیتی‌کردن استفاده شد.

(ج) دهه سوم؛ بازه زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶، شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و اینترنتی: اقناع، اجماع و اقدام

۱- مکلف کردن شورای رسانه‌ای آمریکا برای تهیه برنامه علیه ایران و شبکه‌سازی:



شرمن^۱ در ژوئن ۲۰۰۳، طرحی را به مجلس نمایندگان ارائه داد که براساس آن رؤسای پخش رادیویی و تلویزیونی آمریکایی (BBG) به تهیه برنامه با هدف تغییر نظام ایران با ادعای حمایت از دموکراسی و آزادی در ایران مکلف شدند. دستیابی ایرانی ها به رسانه آزاد یا همان محتوای اینترنتی و ماهواره‌ای نیز در این سند تصریح شده است (H.R.2466, شرمن، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳). سناتور برونیک^۲ در ۱۹ مه ۲۰۰۳ (S.1082) و در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۳ (S.Amdt.2014) با طرح‌های مشابه خواستار استفاده از ابزار رسانه علیه جمهوری اسلامی ایران شد. کمک به سازمان‌های رسانه‌ای برای حمایت از تولید برنامه‌هایی که حقوق بشر و دموکراسی در ایران را ترویج می‌کند، از دیگر اهداف این طرح‌ها است. در طرح‌های شرمن و برونیک بر این موارد تأکید شده است:

- مشورت رادیو فردا با هیئت رسانه‌ای آمریکا
- تغییر کنداکتور رادیو فردا با هدف زیرسؤال بردن فرایندهای انتخابات و دموکراسی در ایران
- اعطای بورسیه به مخالفان
- راه‌اندازی وبسایت
- ترجمه و توزیع کتاب، ویدئو، اسناد و دیگر موارد موردنیاز برای ترویج دموکراسی در ایران

۲- کمک به مخالفان نظام برای فعالیت رسانه‌ای علیه ایران: ریک سانتوروم^۳ در ژوئیه

۲۰۰۴، طرحی را با عنوان حمایت از آزادی ایران به سنا ارائه داد (S.2681, سانتوروم، ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۴). این طرح سانتوروم به صراحت خواهان تخصیص بودجه برای راه‌اندازی رادیو، تلویزیون یا وبسایت‌هایی به منظور تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران، پیشبرد گذار به یک دولت دموکراتیک و تقویت گروه‌های مخالف نظام در داخل و خارج از ایران است.

۳- تشکیل صندوق دموکراسی در ایران با محوریت تهیه برنامه های سیاسی: رز -

لهتینن^۴ در ششم ژانویه ۲۰۰۵ (H.R.282) در طرحی در مجلس نمایندگان و سانتوروم در ۲۷ آوریل ۲۰۰۶ در اصلاحیه‌ای خواستار تولید برنامه‌های رسانه‌ای با محوریت ترویج دموکراسی در ایران شدند (S.Amdt.3640 to H.R.4939).

۴- اعتراض به اخلاف در شبکه‌های ماهواره‌ای: برونیک در ۷ سپتامبر ۲۰۰۶

1. Brad Sherman
2. Sam Brownback
3. Rick Santorum
4. Ileana Ros-Lehtinen

(S.3870) با ارائه طرح قانون حمایت از حقوق بشر در ایران ادعا کرد، پخش تلویزیون‌های دولتی آمریکا در داخل ایران به عمد توسط دولت‌های خارجی تضعیف شده است.

۵- ممنوعیت جذب نیروی ایرانی برای رادیو فردا و صدای آمریکا: در این طرح که برونیک آن را در همان طرح قانون حمایت از حقوق بشر در ایران ارائه داد، به‌کارگیری افرادی که در ده سال گذشته برای وزارت اطلاعات یا هر نهاد خبری دولتی از جمله خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) کار کرده‌اند، در رادیو فردا و صدای آمریکا ممنوع شد. این قانون، راه را برای آغاز باه کار شبکه‌های خبری غیرآمریکایی نظیر بی‌بی‌سی فارسی، من و تو و ایران اینترنشنال و جذب این قبیل افراد در این شبکه‌ها هموار کرد.



شکل ۵. اهداف رسانه‌ای در دهه سوم انقلاب

در دهه سوم، آمریکا، رسانه‌های داخلی را به تأمین برنامه‌های ضدایرانی برای رادیو فردا و دیگر رسانه‌های فعال علیه ایران ملزم کرد. کمک به مخالفان نظام برای فعالیت رسانه‌ای، تشکیل صندوق دموکراسی و تأمین هزینه برای تولید برنامه‌های سیاسی ضدایران و اعتراض از نرسیدن پیام‌های مخرب آن‌ها به مخاطبان به دلیل اخلاف در امواج ماهواره‌ای از دیگر رویکردهای رسانه‌ای کنگره در آمریکا محسوب می‌شود. در این دوره از ابزار رسانه به مثابه اقناع و اجماع و در مواردی اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران در فرایند امنیتی کردن استفاده شد.

در زمینه اجماع، توسل به حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی در همه رسانه‌ها به عنوان محور اساسی دیده می‌شد. درحالی که تروریسم بین‌المللی طبق تعریف‌های رسمی



بر ایران منطبق نمی‌شد؛ اما برسازی کلامی رسانه‌ها، این پدیده را به ایران مرتبط می‌کرد. براساس تعریف رسمی، تروریسم، گونه جدیدی از تهدید است. این مفهوم، همانند نبردهای غیرنظامی تعریف مشخصی ندارد؛ اما تروریسم، از طریق همان فناوری‌هایی جهانی می‌شود که اقتصاد جهانی خلق کرده است. البته برخلاف نبردهای غیرنظامی کلاسیک، تروریسم بین الملل پناهگاه‌های چریکی امن برای حملات ناگهانی به شهرها ندارد؛ بلکه در محیط‌های شهری چندقومی و چندفرهنگی با قوت و قدرت ظاهر می‌شود، از حمل و نقل هوایی، اینترنت و الگوریتم‌های پنهان برای مخفی کردن ارتباطات درون گروهی بهره می‌گیرد. بدتر از همه اعضای آن حاضرند برای اهدافشان بمیرند (Acharya. 2002: 1-4).

در زمینه اقدام نیز در این دوره سه اقدام اساسی علیه ایران رخ داد: تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده و همراهی جامعه بین‌المللی با آن، تحریک گسترده مردم ایران برای جاسوسی یا برگزاری اعتراضات گسترده که نمونه آن تظاهرات کوی دانشگاه بود و سوم، ظهور داعش و گروه‌های ضدشیعی و ضدایرانی در منطقه.

(د دهه چهارم؛ بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷، تقویت و تثبیت اقناع، اجماع و اقدام (نهادینه‌سازی)

۱- تأکید بر دسترسی مردم به اینترنت: گرانگر^۱ در نوامبر ۲۰۰۹ (H.Res.888) در قطعنامه‌ای خواستار کمک آمریکا به مردم ایران برای دسترسی آسان و بدون فیلترینگ به اینترنت شد.

۲- کمک مالی به شبکه‌های بین‌المللی برای فعالیت علیه ایران: در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۰ جان کری^۲، سناتور وقت طرحی (S.2971) در تشویق فعالیت‌های تلویزیونی بین‌المللی علیه ایران ارائه داد. این طرح می‌گوید:

«کنگره اعلام می‌کند که هیئت‌مدیره باید بخش‌های تلویزیونی بین‌المللی در ایران را از طرق مختلف از جمله افزایش برنامه‌های خبری فارسی‌زبان، اقدامات ضدجاسوسی و اقداماتی برای مقابله با سانسور اینترنت و ابزارهای دیگر که می‌تواند انتشار اطلاعات مستقل برای مردم ایران را فراهم کند، افزایش دهد و این اقدامات را می‌تواند از طریق رادیو، تلویزیون، اینترنت، دستگاه‌های تلفن همراه و سایر اشکال فناوری ارتباطاتی انجام دهد.»

۳- تدوین استراتژی افزایش دسترسی ایرانیان به اینترنت: لهتینن در ۱۳ ماه مه ۲۰۱۱ طرح تدوین استراتژی برای افزایش دسترسی ایرانیان به اینترنت را ارائه داد

1. Kay Granger
2. John Kerry

(H.R.1905). براساس این طرح، وزیر خارجه مکلف بود تا یک استراتژی جامع درباره ارتقای آزادی اینترنت و دسترسی به اطلاعات در ایران ارائه دهد.

۴- اعتراض به پارازیت، اخلال در تلفن همراه و فیلترینگ: دالد^۱ در چهاردهم ماه مه ۲۰۱۱ (H.R.1714) و کرک^۲ در چهارم ماه مه ۲۰۱۱ (S.879) بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در ارسال امواج ماهواره ای، اخلال در تلفن همراه و فیلترینگ اینترنت فعالیت دارد، تأکید کردند. همچنین مک کئون^۳ در ۲۹ مارس ۲۰۱۲ (H.R.4310) در طرح خود آورده بود: «باید به ایرانیان کمک کرد تا از طریق اینترنت و سایر رسانه ها، به طور آزاد و ایمن اطلاعات را تولید کنند، به آن دسترسی داشته و آنرا به اشتراک بگذارند و همه تلاش های دولت ایرانی برای مسدود کردن یا دیگر راه های ممانعت از سیگنال های پخش ماهواره ای را شکست دهد.»

۵- الزام BBG برای راه اندازی تلویزیون به زبان آذری و بلوچی: روهراباگر^۴ در ۲۵ آوریل ۲۰۱۳ در پیش نویس قطعنامه (H.Res.183) تصریح کرد سازمان رسانه های جهانی آمریکا (BBG) باید یک تلویزیون با محتوا به زبان آذری برای جمهوری اسلامی ایران و محتوا به زبان بلوچی برای بلوچ های داخل جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان راه اندازی کند.

۶- روزنامه نگاری تحلیلی در بخش های خبری: کرک در ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۴ در اصلاحیه قانون حقوق بشر در ایران (S.2585)، روزنامه نگاری تحلیلی در بخش های خبری را برای تقویت جامعه مدنی با ترویج فرایندهای دموکراتیک، احترام به حقوق بشر، آزادی رسانه و آزادی بیان پیشنهاد داد. افزایش خدمات برنامه سازی، آموزش خبرنگاران و روزنامه نگاران فراری و تهیه بورسیه تحصیلی برای آنها، حمایت وزارت خارجه به صورت مستقیم از افرادی که در ایران کار می کنند، برای اجرای برنامه های این وزارتخانه از دیگر پیشنهادات این قانون بود. از مهم ترین پروژه های انجام شده در این زمینه می توان به طرح رسانه ای «دیس اینفو» با هدف تهیه گزارش، تولید انیمیشن، ساخت مستند، ارائه آمار و ارقام علیه ایران اشاره کرد که مرکز تعاملات بین المللی وزارت خارجه آمریکا، حامی مالی آن است (سرخیل، ۱۳۹۸: ۱۸۰).

1. Robert J. Dold
2. Mark Steven Kirk
3. Howard P. Buck Mc Keon
4. Dana Rohrabacher





شکل ۶. اهداف رسانه‌ای در دهه چهارم انقلاب

در دهه چهارم، آمریکا، کمک‌های مالی به شبکه‌های بین‌المللی برای فعالیت علیه ایران را تشدید کرد. آموزش خبرنگاران، بورسیه کردن آنان و شبکه‌سازی از ایرانیان فراری برای اثرگذاری بیشتر در فرایند اقناعی و تأکید بر تقویت شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در ایران از مهم‌ترین رویکردها در این دوره محسوب می‌شود. در این دوره از ابزار رسانه به مثابه تقویت و تحکیم فرایند اقناع و اجماع و اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران در فرایند امنیتی کردن استفاده شد تا امنیتی کردن ایران نهادینه شود.

با وجود تنوع رسانه‌های مورد استفاده علیه ایران توسط آمریکا در فرایند امنیتی کردن ایران، صدای آمریکا در دو حوزه رسانه‌ای سنتی و نوین نقش محوری را در برسازی ایران به‌عنوان یک تهدید امنیتی ایفا کرد؛ چراکه این رادیو، ابزاری برای اجرای سیاست‌های وزارت امور خارجه آمریکا و اثرگذاری بر افکار عمومی جهان است (باقری هشی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۵). در دهه چهارم انقلاب، آمریکا به شبکه‌سازی گسترده رسانه‌ای علیه ایران برای اجماع‌سازی و اقدام سریع روی آورد. نتایج یک پژوهش حاکی از این است که رویکرد صدای آمریکا در موضوع هسته‌ای، صدای آمریکا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کارگزاران دیپلماسی رسانه‌ای دولت آمریکا، با بهره‌مندی از فنون و روش‌های رسانه‌ای به فضا سازی گسترده علیه موضوع هسته‌ای ایران پرداخته و با تهدیدآمیز جلوه‌دادن فعالیت هسته‌ای ایران، خواستار حضور فعال شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حل و فصل مناقشه اتمی ایران شده است (شیرخانی و حق‌گو، ۱۳۹۴: ۷).

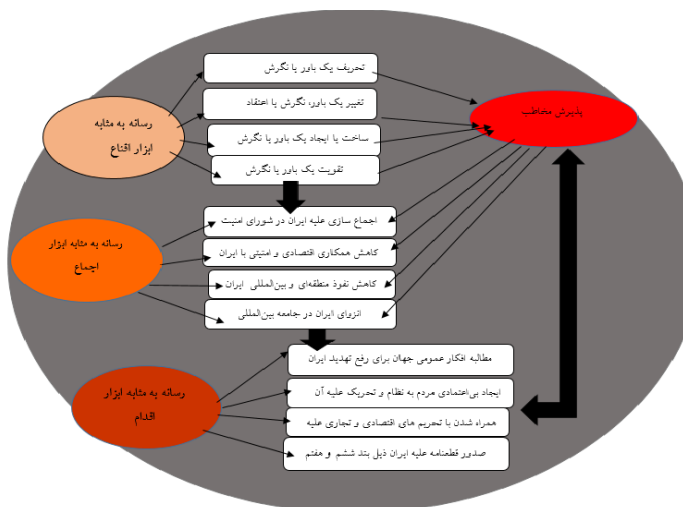


بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از این است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مخالفین داخلی و خارجی سیاست‌های جمهوری اسلامی به صورت گسترده‌ای به تولید پیام برای زیرسؤال بردن انقلاب اسلامی و اهداف آن مشغول شدند. ابزار رسانه در خدمت اهداف آمریکا علیه ایران در فرایند امنیتی‌سازی با هدف دستیابی به سه‌گانه اقتناع افکار عمومی، اجماع بین‌المللی و اقدام براساس ذهنیت، کنش گفتاری و کنش عملی مبتنی بر اسناد کنگره و فرمان‌های رؤسای جمهوری این کشور در چهل سال از روابط دو کشور بعد از انقلاب اسلامی ایران است. روند تکراری ذهنیت‌سازی، کلام و عمل با هدف اقتناع، اجماع و اقدام، یک کلیت تفکیک‌ناپذیر فرض شده است. در این منطق، ذهنیت و برداشت، عین کنش و برون‌دادهای عملی، در واقع تجسم عینی احساسات ذهنی و کلامی است. این فرایند برای تکمیل شدن، اقتناع مخاطبان و ایجاد اجماع به رسانه نیاز دارد.

در بازه زمانی چهل ساله، آمریکا از همه ابزارهای رسمی و غیررسمی قانون‌گذاری با تکیه بر کنش‌های کلامی امنیتی‌ساز با استفاده از رسانه‌های جمعی و بعدها اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، برای اقتناع افکار عمومی داخل آمریکا و جهان، افکار عمومی در ایران، بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی و یاری‌گرفتن از متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی، برای ایجاد اجماع جهانی با هدف مهار ایران استفاده کرده است. این سیاست در دوره‌های ریاست جمهوری کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر، اوباما و ترامپ و دو حزب مسلط بر کنگره یعنی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها یکسان بوده است و بر همین اساس می‌توان آن را یک استراتژی حاکمیتی دانست. رادیو، رسانه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های مجازی، اندیشکده‌ها و مراکز افکارسنجی از مهم‌ترین ابزارهای امنیتی کردن ایران در دهه چهارم انقلاب محسوب می‌شود. براساس یافته‌های این مقاله که در مدل زیر نشان داده می‌شود، رسانه در فرایند امنیتی کردن می‌تواند به‌مثابه ابزار اقتناع، اجماع و اقدام به‌کار گرفته شود. رسانه در فرایند اقدام، بر مخاطب اثرگذاری می‌کند؛ اما در نهایت پذیرش مخاطب است که یک پدیده را امنیتی می‌کند، همان‌طور که در امنیتی‌زدایی نیز رسانه نقش مهمی ایفا می‌کند.





شکل ۷. مدل استخراج‌شده درباره ابزار رسانه در فرایند امنیتی شدن

طبق اسناد کنگره، دولت آمریکا در بودجه‌های سالانه با عنوان کمک به گسترش دموکراسی، آزادی و مقابله با تروریسم بین‌المللی، از رسانه‌های فارسی‌زبان و تولید برنامه علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین مخالفان دولت اعم از داخلی و خارجی به‌منظور تصویرسازی با هدف پذیرش مخاطبان درباره تهدیدبودن جمهوری اسلامی ایران برای تکمیل فرایند امنیتی کردن استفاده می‌کند.

پیشنهادهات

با توجه به گسترش فناوری و افزایش رسانه‌های نوین و سنتی مورد حمایت مخالفان جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد برنامه‌های مستند و گزارشی در شناخت اهداف این رسانه‌ها برای تهدید امنیت هویت ملی تولید شود. این برنامه‌سازی برای تقویت هویت جمهوری اسلامی ایران به‌منظور واکنش‌شدن در مقابل برسازای امنیتی بهتر است همزمان در دو بستر رسانه‌های سنتی و رسانه‌های نوین انجام شود. همچنین در تولید محتوای رسانه‌ای برای فضای مجازی، لازم است با تبیین اهداف اصلی این رسانه‌ها در قالب روایتگری و محتوای اثرگذار برای مخاطب عام، از این رسانه‌ها اعتبارزدایی شود تا فرایند پذیرش مخاطب به‌عنوان مرحله نهایی امنیتی کردن ایران، کارکرد خود را از دست بدهد.

منابع

فارسی

- امیدی فر، علی؛ مرادی فر، سعیده (۱۳۹۳)، برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره چهارم.
- باقری هشی، مهدی؛ جاویدکار، مرتضی؛ آقامحمدی، محسن (۱۳۹۲)، نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در پیشبرد اهداف آمریکا در جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی صدای آمریکا)، مجله رسانه و فرهنگ، سال سوم، شماره اول.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۷)، امنیت هویت‌پایه و عدالت‌پایه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ اولی، ویور؛ پاپ، دووید (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجی‌مینه، رحمت (۱۳۹۲)، مکتب کپنهاگ: مفاهیم و آموزه‌ها، خبرنامه مطالعات جهان، سال دوم، شماره ۲.
- زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، نگاه کپنهاگی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها، فصلنامه آفاق امنیت، سال دهم، شماره سی و ششم، پاییز.
- ساریخانی، عادل؛ آقابابایی، اسماعیل؛ عطارزاده، سعید (۱۳۹۲)، اجماع و نقش آن در استنباط احکام کیفری، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۲، تابستان.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۸)، رسانه و قدرت گفت‌وگویی با تأکید بر انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم.
- شیرخانی، محمدعلی؛ حقگو، جواد (۱۳۹۴)، واکاوی فضا‌سازی رسانه‌ای آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران (بررسی موردی عملکرد صدای آمریکا)، راهبرد، شماره هفتاد و پنجم، سال بیست و چهار.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظری امنیتی‌ساختن، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۳۳.
- عیوضی، محمدرحیم؛ دامیار، محمود؛ دامیار، ایوب (۱۳۹۵)، مبانی جنگ نرم در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه حبل‌المتین، دوره پنجم، شماره چهاردهم.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، نشر سرایش.
- هرسیج، حسین؛ فتاحی، احمد (۱۳۸۹)، امنیت به مثابه مفهومی وابسته و منازعه‌برانگیز، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۱.
- نجاتی منفرد، علیرضا؛ کمالی، محمدرضا؛ دلخوش، سیدکاظم (۱۳۹۵)، بررسی راهبردهای رسانه‌ای و فرهنگی دشمن در نبرد نرم علیه انقلاب اسلامی از منظر حضرت امام خامنه‌ای، فصلنامه قدرت نرم، سال ششم، شماره چهاردهم.
- بازیابی همه اسناد مربوط به ایران در کنگره آمریکا در آدرس زیر قابل مشاهده است:

<https://www.congress.gov/quick-search/legislation?wordsPhrases=iran&include=on&titles=on&summaries=on&actions=on&congresses%5B0%5D=all&legislationNumbers=&legislativeAction=&sponsor=on&representative=&senator=&houseCommittee=&senateCommittee=&searchResultViewType=compact&pageSort=dateOfIntroduction%3Aasc&pageSize=100&q=%7B%22source%22%3A%22all%22%2C%22congress%22%3A%22all%22%7D>



- Acharya, Amitav(2002), Security and Security Studies after September 11: Some Preliminary Reflections. In:
<http://www.amitavacharya.com/sites/default/files/Security%20and%20Security%20Studies%20After%20September%202011.pdf>
- B. A.Metiu. Kogut. (2001)Open Sourced Software development and distributed Innovation, Oxford Rev, Econom, Policy.
- Brownback, Sam (2003), Iran Democracy Act, S.1082, 108th Congress (2003-2004).
- Brownback, Sam (2003), S.Amdt.2014 to H.R.2800, 108th Congress (2003-2004).
- Brownback, Sam (2006), Iran Human Rights Act of 2006, S.3870, 109th Congress (2005-2006).
- Buzan, Barry And Hansen, Iene(2009),The Evolution of international Security Studies.
- D'Amato, Alfonse(1995), "Radio Free Iran Act", S.838. 104th Congress (1995-1996).
- Dold, Robert J.(2011), Iran Human Rights and Democracy Promotion Act of 2011, H.R.1714, 112th Congress (2011-2012).
- Dolinec, Vladimir(2005), THE ROLE OF MASS MEDIA IN THE SECURITIZATION PROCESS OF INTERNATIONAL TERRORISM, Politicke Vedy/ Studies. In:
<http://www.politickevedy.fpv.mv.umb.sk/app/cmsFile.php?disposition=a&ID=18586>
- Granger, Kay (2009), Call for a renewed focus on the "Green Movement" within Iran, H.Res.888, 111th Congress (2009-2010).
- Kerry, John F. (2010), Foreign Relations Authorization Act, Fiscal Years 2010 and 2011, S.2971, 111th Congress (2009-2010).
- Kirk, Mark Steven (2011), Iran Human Rights and Democracy Promotion Act of 2011, S.879, 112th Congress (2011-2012).
- Kirk, Mark Steven(2014), Iran Human Rights Accountability Act of 2014, S.2585, 113th Congress (2013-2014).
- Mc Koen, Howard P. Buck (2012), National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2013, H.R.4310, 112th Congress (2011-2012).
- Rohrabacher, Dana(2013), The Broadcasting Board of Governors should broadcast and direct Azeri language content into the Islamic Republic of Iran, H.Res.183, 113th Congress (2013-2014).
- Pell, Claiborne (1990), "Supplemental Foreign Relations Authorization Act, Fiscal Year 1991", S.2749, 101st Congress (1989-1990).
- Ros-Lehtinen, Ileana (2005), Iran Freedom Support Act, H.R.282, 109th Congress (2005-2006).
- Ros-Lehtinen, Ileana (2011), Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, H.R.1905, 112th Congress (2011-2012).
- Santorum, Rick(2004), Iran Freedom and Support Act of 2004, S.2681, 108th Congress (2003-2004).
- Santorum, Rick (2006), S.Amdt.3640, 109th Congress (2005-2006).
- Sherman, Brad(2003)," Iran Freedom and Democracy Support Act", H.R.2466, 108th Congress (2003-2004).
- VOA, <https://www.insidevoa.com/p/6459.html>
- Wolf, R. Frank (1998), "Omnibus Consolidated and Emergency Supplemental Appropriations Act, 1999", H.R.4328, 105th Congress (1997-1998). In:
<https://www.congress.gov/bill/105th-congress/house-bill/4328?q=%7B%22search%22%3A%22iran%22%7D&s=6&r=57>

